

مَا يَتَقَى فِي الدُّنْيَا يَتَّقِيَهُ غَيْرَ هَذَا الْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا تَذَلُّكُمْ عَلَى هُدَاكُمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنَّ لَمْ يَحْفَظْهُ وَأَتَعَدَّهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَتَعَمَّلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَتَفَرَّهُ.

تنها چیزی که در این دنیای فانی، باقی می‌ماند قرآن است، پس قرآن را پیشوا و امام خود قرار دهید، تا به راه راست و مستقیم هدایت شوید. همانا نزدیک‌ترین مردم به قرآن کسانی هستند که بدان عمل کنند، گرچه به ظاهر (آیات) آن را حفظ نکرده باشند و دورترین افراد از قرآن کسانی هستند که به دستورات آن عمل نکنند. گرچه قاری و خواننده آن باشند.

ارشاد القلوب، دیلمی، ۱۰۲



یکی از نعمت‌های بزرگ که دست آفریش در نهاد انسان به ودیعه نهاده است، نعمت «عقل و خرد» است. اگر خرد از انسان گرفته شود، در مرتبه حیوان و شاید پایین‌تر از آن قرار می‌گیرد. انسان به‌خاطر این نیروی معنوی است که توانسته است، تمدن‌های چندی را پایه‌گذاری کند. اگر این نور باطنی در وجود انسان نبود، گامی به پیش نمی‌نهاد و از همان شیوه زندگی نخستین پا فراتر نمی‌نهاد. خداوند بزرگ به مقام رفیع انسان در سایه خرد، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَمَلْنَاهُمْ فِي الْآلِزِّ وَالْبَحْرِ وَزَوَّجْنَاهُمْ مِنَ الظَّالِمَاتِ وَقَضَّيْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَقْضِيَا؛ مَا آدَمَى زَادَكُنْ را گرمی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم﴾.

جمله «وَخَمَلْنَاهُمْ فِي الْآلِزِّ وَالْبَحْرِ»، نشانه نتیجه برتری انسان است که در پرتو صنعت که زاینده خرد است، خشکی و دریا در قلمروی او قرار می‌گیرد. قرآن مجید بر کرامت انسان تکیه می‌کند و پیوسته او را بر اندیشیدن دعوت می‌نماید؛ ولذِ واژه «عقل» به‌صورت صیغه‌ها ۴۹ مرتبه در قرآن آمده است. گذشته بر این واژه، «لبّ» و «نهی» که به یک معنی به معنی عقل و خرد است (نهی از ماده نهی به معنی بازداشتن است؛ زیرا که عقل، انسان‌ها را از کارهای ناپسند باز می‌دارد)، کراراً بر آنها تکیه شده است و حاکی از آن است که خردورزی عقلی، تاروپود دعوت انبیاء ﷺ را تشکیل می‌هد و اصول دعوت آنها، کاملاً با یافته‌های عقل همراه می‌باشد.

واژه «لبّ» و جمع آن «الباب» به‌معنی عقل است ۱۶که مرتبه در قرآن وارد شده و براساس تتبع برخی مفسران، حدود ۸۰ آیه از آیات قرآن درباره تفکر و تدبّر سخن گفته است؛ چراکه ثبوت رسالت انبیاء و معجزات آنان، همگی به راهنمایی خرد می‌باشد و اساساً حجیت قول پیامبران، بدون در نظر گرفتن عقل ناتمام خواهد بود. خداوند متعال در برخی از آیات، انسان را به تدبیر در آفاق و انفس دعوت می‌کند. مانند آفرینش آسمان و زمین و گردش منظم آنان به دور یکدیگر، آفرینش شب و روز، وزش بادها که موجب حرکت ابرها و نزول باران و حرکت کشتی‌ها در دریاها شده است، همگی نشانه‌های بارزی از ربوبیت خداوند عالم است که چگونه عالم هستی را مدیریت می‌کند و در انتها یادآور می‌شود: «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» و تعبیر «یا اُولِی الْاَلْبَاب» و امثال این‌ها که همگی اشاره به جایگاه عقل در آموزه‌های دینی است.

• انسان وعقل نظری وعملی

اگر بخواهیم کمی علمی‌تر سخن بگوییم، یادآور می‌شویم که علمای معقول و خُکما، عقل را بر دو قسم تقسیم کرده‌اند؛ عقل نظری



تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم، سجده کنی؟! آید تکبیر کردی یا از برترین‌ها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!).

در این آیه خداوند اشاره می‌کند که من در خلقت آدم ﷺ عنایت ویژه داشتم. مثلاً در عرف می‌گویند: کسی که خانه خود را می‌فروشد، به مشتری می‌گوید: «من این خانه را به دست خودم ساختم!» کنایه از این است که در ساخت آن خانه، عنایت حداکثری داشتم.

اگر مقصود از ید همان «دست» باشد، نتیجه آن تعارض در دو آیه است که در یکی به‌صورت مفرد و دیگر به‌صورت تنثیه آمده است. تو گویی خداوند آسمان‌ها را با دست‌ها آفریده ولی آدم ﷺ را با دو دست آفریده است.

از این نوع توالی فاسد، نتیجه می‌گیریم که در فهم قرآن از موهبت الهی که همان عقل است، بهره گرفته شده و در مقصود از آیه دقت نکرده‌اند؛ هدف آیه این است خدا به ابلیس خطاب می‌کند که تو با این ترک سجود، نه‌تنها به آدم توهین کردی؛ بلکه حق ربوبیت را در نظر نگرفتی؛ این مخلوقی است که من در آفرینش آن عنایت داشتم ولذا گفتیم که بر آدم سجده کنند.

کاوش در شناخت خدا الزام عقلی است مورد دوم مسأله «معرفت‌الله» است. امامیه و معتزله کلیه کسانی که عقل و خرد را یکی از ادوات و ابزار معرفت می‌شناسند، معتقدند که معرفت‌الله وجوب عقلی دارد؛ یعنی انسان هنگامی که به‌حذّ تکلیف رسید و توانست، در ریشه آفرینش مطالعه کند، خرد او می‌گوید: در این باره تحقیق کند که صانعی هست یا نه؟ خرد می‌گوید: باید تحقیق کرد تا مسأله یکسره شود. یا الهی و یا مادی؛ ولی گروهی از متکلمین وجوب معرفه‌الله را شرعی می‌دانند؛ یعنی چون در شریعت آمده است، خدا را بشناسیم و از صفات او آگاه شویم و به تکالیف آن عمل کنیم. چنانکه فرمود: «أَفِی اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ (ابراهیم: ۱۰) آیا در خدا شک است؟! خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده؟!».

اما سخن آنان هرچند رنگ مقدس‌مآبی دارد؛ ولی تا صانع جهان ثابت نشود و شریعت منسوب به او یقینی نباشد چگونه می‌توانیم، شریعت را محرک خداشناسی بدانیم. از این نمونه‌ها در کلام کسانی که خردورزی را رها

آن قدر گرفتاری که [امام حسن مجتبی ﷺ] از این دوستان و اصحابش داشت از دیگران نداشت. اصحابی که توجه نداشتند که امام زمان‌شان روی چه نقشه دارد عمل می‌کند.... وقتی که یک دسته علاف نگذاشتند که [امام] کارش را انجام بدهد، با آن شرایط صلح کرد.... صلح تحمیلی که در عصر امام حسن ﷺ واقع شد و آن حکمیت تحمیلی که در زمان امیرالمؤمنین ﷺ واقع شد، هر دویش به دست اشخاص حیله‌گر درست شد، این ما را هدایت می‌کند به این‌که نه زیر بار صلح تحمیلی برویم و نه زیر بار حکمیت تحمیلی.

صحیفه امام؛ ج ۲، ص ۳۷۱، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۱۹

کرده‌اند و بیشتر به تعبد می‌پردازند، فراوان است.

• تکلیف در گروی بیان

آیین اسلام، آیین سهل وآسان است که تکالیف آن در حدّ توان بشری است و کراراً در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ خداوند هیچ‌کس را جز به‌اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند﴾.

در این مورد حدیث شریفی است که برای بسیاری از افراد تندرو، تذکر می‌دهد که آیین اسلام، آیین سهل و ساده است و نباید آن را به‌گونه‌ای تبلیغ کنند که برای مردم ناخوشایند باشد. امام صادق ﷺ از رسول‌خدا ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت خطاب به علی ﷺ فرمود: ﴿إِنَّ هَذَا الدِّينَ قَاطِعٌ فَاوْعِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ؛ وَلَا تُبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ اللَّهِ؛ فَإِنَّ الْمُنِيبَ يَعْنِي الْمَفْرُطَ لَا ظَهَرَائِفِي وَلَا أَرْضَا قَطَعٌ﴾؛ «این دین استوار است. از آن رو با رفق و مدارا در آن وارد شو و کاری نکن که عبادت خدا نزد تو خوشایند جلوه کند؛ به‌سان کسی نباش که با مرکب به‌سرعت می‌دود؛ ولی نه به مقصد می‌رسد و نه مرکب سالم می‌ماند».

• بهره‌گیری از داده‌های طبیعت

روی این اساس درباره داده‌های نوظهور طبیعت دو نظر هست:

۱. آنچه که خداوند در درون طبیعت نعمت‌هایی به ودیعت نهاده که به‌وسیله خردمندان استخراج گشته تا آنجا که با موازین شرع مخالف نباشد، اشکالی ندارد؛ لذا از همان روزی که صنایع نوظهور رخ داده و بشر در سایه عقل خود توانسته است، قدرت خود را گسترش دهد، همگی حلال است؛ مگر آنجا که با اصول اسلامی درگیر باشد.

۲. در مقابل، گروهی بر خلاف آن هستند و می‌گویند: اصل در همه موارد احتیاط است تا دلیل شرعی بر هر موضوع نوظهور در اختیار نباشد، اجتناب لازم است.

اکنون این دو نظر را ما بر آیات قرآنی و احادیث عرضه می‌داریم.

امام صادق ﷺ می‌فرماید: «کل شیء مطلق حتی یرد فیه النهی»^۱.

و به دیگر سخن، نعمت الهی به‌نام عقل، عقاب بالا بیان را قبیح و نازیبا شمرده و اتفاقاً این قرآن به‌صراحت بر آن صحت گذارده است. آنجا که فرموده است: ﴿وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنُثَبِّحُ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزِيَ؛ اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود)، با عذابی هلاک می‌کردیم، (در قیامت) می‌گفتند: پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه دلیل و رسوا شویم!﴾.

حاصل آیه هر گاه گروه کافر ناسپاس را پیش از آنکه رسولان خود را برای هدایت آنان برانگیزیم، به‌ما اعتراض می‌کردند و می‌گفتند: خدایا! چرا معلمانی و آموزگارانی برای هدایت اعزام نکردی تا ما بتوانیم به فرامین تو عمل کنیم. بنابراین ظاهر آیه این است که اعتراض آنها مورد پذیرش خدا بود ولذا راهنماییانی اعزام کرد و حجت را بر آنان تمام نمود؛ بنابراین اصل در تمام اشیاء بهره‌گیری از فرآورده‌های طبیعت و معتزله حلال و آزادی است؛ مگر آنگاه که از آن شرعاً بازداری شود.

البته بحث در این مورد طولانی و گسترده است و علمای اصول، برای این موضوع بخش مخصوصی دارند که دلایلش را بیان کرده‌اند.

از این نتیجه می‌گیریم که آیین اسلام آیین عقلی و خردورزی است تا آنجا که عقل و خرد انسان می‌تواند، به‌واقع راه یابد؛ هرچند در امور جزئی مانند: عدد رکعات نمازها و امثال آن، به تعبد پرداخته است که البته خود تعبد نیز – تسلیم در برابر آفریدگار جهان است که این همه نعمت مادی و روحی در اختیار بشر قرار داده است – آن هم دلیل عقلی دارد.

• پی نوشت‌ها

- ↑ اصول کافی، ج ۱؛
- ↑ بقره: ۱۸۶؛
- ↑ ووسائل، ج ۱، باب ۲۶ از ابواب طهارات، حدیث ۷؛
- ↑ ووسائل، ج ۱۸، باب ۱۲، از ابواب صفات قاضی، حدیث ۱۶؛
- ↑ طه، ۱۳۴.

اف‌جوز

- سال بیست و سوم
- شماره ۸۰۸
- دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۳
- صفحه ۵۰۰۰ تومان

<div><div> </div></div> <div>صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div>
<div><div> </div></div> <div>مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضاستمی</div>
<div><div> </div></div> <div>سرمدیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه</div>
<div><div> </div></div> <div>تلفن: ۰۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۰۳۲۹۰۱۵۲۳</div>
<div><div> </div></div> <div>صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱</div>
<div><div> </div></div> <div>نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵</div>
<div><div> </div></div> <div>پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir</div>
<div><div> </div></div> <div>پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir</div>
<div><div> </div></div> <div>کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۰۶۵۵۸۶۸۰ (۴۰)</div>

عطریار

فصلی از دریغ

رضا اسماعیلی

باز هم آدینه شد، مانده‌ام در انتظار

چشم در راه توام، بی‌قرارم، بی‌قرار

من تو را گم کرده‌ام، پشت فصلی از دریغ

من تو را گم کرده‌ام، پشت فصل انتظار

سمت چشمان تو کو، تا بیاسایم دمی

در پناه چشم تو ای رسول نوبهار

بی‌فروغ عشق تو، می‌شود هستی یتیم

مهر و ماه و آسمان، می‌شود بی‌اعتبار

تشنه وصل توام، ای دلیل زندگی

کی به پایان می‌رسد، روزهای انتظار؟!

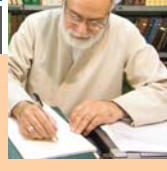
مهر عالم‌تاب عدل، یک تبسم جلوه کن

تا بمیرد ظلم شب، تا بخندد روزگار

باز هم آدینه شد، جاده اما خالی است

باز هم سهم من است، حسرتی دنباله‌دار

یادداشت



گفتم، گفت ۹۹
تأمین محتوای تبلیغات
استاد جواد محدثی

در فصل تبلیغی محترم و صفر، یا مناسبت‌های دیگر، یکی از دغدغه‌های مبلغین این است که برای مردم چه بگویند و چه موضوعی را برای سخنرانی آماده کنند؟

پرسیدم: به نظر شما چه مباحثی را در منبر برای مخاطبان باید گفت؟

استاد گفت: بستگی به زمان و مکان تبلیغ و نوع شنوندگان و مخاطبان دارد. هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. تشخیص نیاز و اولویت‌بندی در محتوای تبلیغ بسیار مهم است.

گفتم: گاهی مطالبی آماده می‌کنیم؛ ولی وقتی به تبلیغ می‌رویم، می‌بینیم که آنها مناسب طرح برای مردم نیست.

استاد گفت: البته آمادگی قبلی برای منبر و تبلیغ خوب است؛ ولی باید متناسب با همان منطقه و همان شنوندگان باشد. از دعوت‌کننده و بانی مجلس باید پرسید که مخاطبین چه طیفی هستند؟ سطح فکر و معلومات‌شان چیست؟ قبلاً چه کسانی آمده‌اند و چه مباحثی مطرح شده است؟ چه موضوعاتی را شما لازم می‌دانید که طرح شود و از این‌گونه سؤالات. آشنایی با حساسیّت‌های منطقه‌ای و آداب و عرف محلّ و جوّ عمومی هم لازم است.

گفتم: مثلاً از دید شما برای ایّام محرم چه موضوعاتی مناسب‌است؟

استاد گفت: عاشورا هم حماسه است هم عرفان، هم پیام دارد هم عبرت، هم چهره‌های ماندگار دارد هم دشمنان خبیث و شرور، هم پیامدها و آثار آن در تاریخ مطرح است هم آثار آن در طول زمان تا امروز، هم ترسیم سیمای واقعی حادثه کر بلا لازم است هم تبیین تحریف‌ها و بدعت‌ها، هم علل و انگیزه‌های قیام حسینی مطرح است هم اهداف قیام، هم شناساندن حسین‌بن علی ﷺ و اصحابش لازم است، هم بیان ماهیت و اهداف بنی‌افیه و

گفتم: اگر کسی نتوانست تحلیل‌های سیاسی کند، چه بگوید؟

استاد گفت: درس‌ها و آموزه‌های اخلاقی نهضت امام حسین ﷺ برای امروز مردم هم مناسب است. مثلاً: اخلاص، ایمان، صبر، دشمن‌شناسی، امر به معروف و نهی از منکر، طرفداری از حق، زنده نگه داشتن یاد شهدا و



کانال هفته‌نامه افق حوزه

در پیام‌رسان‌های

سروش و ایتا

@ofogh_howzah